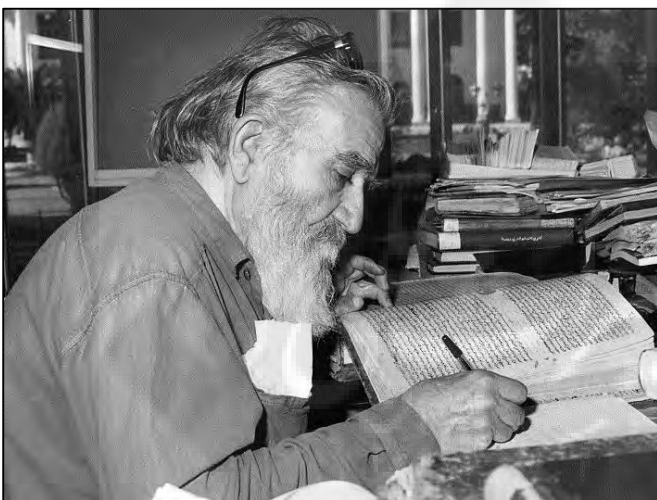


درگذشت عبدالحسین حائری نسخه‌شناس، فهرست‌نویس و انسان والا

حمید بهلول^۱



استاد عبدالحسین حائری یزدی، کتاب‌شناس، فهرست‌نگار و محقق برجسته در اول شهریور ۱۳۹۴ در ۸۸ سالگی در پی بیماری طولانی درگذشت. او تیر ماه ۱۳۰۶ در شهر قم به دنیا آمد. پدرش آقا میرزا احمد حائری از علمای روزگار خود بود و پدر بزرگ مادری اش آیت الله حاج

شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیّه قم بود. وی خواندن و نوشتن را در مکتب فراگرفت. سطوح عالی فقه و اصول را تا سن ۱۹ سالگی نزد اساتیدی چون آیات عظام حاج شیخ مرتضی حائری (دایی اش)، حاج شیخ محمد صدوقی، حاج سید محمدرضا گلپایگانی به پایان رساند. بعد از آن نزد مراجع عالیقدری همچون آیات عظام حاج سید محمدتقی خوانساری، حاج سید صدرالدین صدر، حاج سید محمد حجت و حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی دروس خارج را گذراند. وی در سال ۱۳۳۰ به تهران مهاجرت کرد و به استخدام کتابخانه مجلس درآمد و از همان زمان شروع به فهرست‌نویسی کتاب‌های آنجا کرد. در سال ۱۳۵۴ ریاست کتابخانه را عهده‌دار شد و در سال ۱۳۶۳ نیز ریاست کتابخانه شماره دوی مجلس به وی واگذار شد. در سال ۱۳۶۸ هم به عضویت هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور درآمد. همچنین وی ۱۷ سال

۱. مدیر داخلی میراث علمی، h_bohlul@yahoo.com

عضو هیئت مؤلفان لغت‌نامه دهخدا بود و بر چاپ چند جلد از آن نیز نظارت داشت. او انسانی، مسئول، مهربان، پرکار و صادق بود و همه توان علمی و فرهنگی خود را بی دریغ به پژوهشگران عرضه می‌کرد. عبدالحسین حائری مشوق جوانان پژوهشگر و مستعد بود. غنای روحی و مناعت طبعش موجب شد که هیچ‌گاه در قبال ناسپاسی‌ها، بی‌توجهی‌ها و قدرنشناسی‌ها زبان به شکوه نگشاید. در ادامه تکه‌ای برگرفته از گفته‌های او در ارتباط با نشر متون علمی کهن در مصاحبه‌اش با علی اوجیبی و احسان الله شکرالهی را از کتاب ماه کلیات (دی ۱۳۸۰) نقل می‌کنیم.

«... ما راجع به کارهای خودمان خوب است حرف بزنیم. این جلد بیستم (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس) تا زمانی که من زنده هستم باید چاپ بشود. آنجا مجموعه‌ای بی‌نظیر هست که باید ببینید. در این مجموعه کتاب الکامل فرغانی مربوط به قرن سوم، رساله ناتمامی که اول و آخرش افتاده، رساله‌ای از خازنی [و] بعد [رساله‌ای از] ابوالفتح احمد بن محمد بن سری همدانی (ابن صلاح) که از علمای بزرگ قرن پنجم بود، به چشم می‌خورد. وی در هیئت یا نجوم رساله‌ای دارد با عنوان تسطیح که نسخه‌هایی که از این اثر در دست است مقاله اول آن است. در این مجموعه، کتاب اول و آخر افتاده‌ای هست که خدا می‌داند شناختن آن چه کار صعب و مهمی بود. این مقاله دوم همان کتاب است که در هیچ جای جهان نسخه‌ای از آن پیدا نمی‌شود. این مجموعه بسیار مهم و به خط بسیار کهن است. هیچ کدام از کتاب‌های فرغانی در ایران نیست. سزگین گفته است که در اروپا یک نسخه دیگر از آن را پیدا کرده است.

مرحله اول [پژوهش در تاریخ علم] بر عهده فهرست‌نویس [نسخ خطی] است که خیلی وظیفه سنگین و مهمی است. اما اگر فهرست‌نویس بداند که این کتاب خیلی زود چاپ می‌شود و در اختیار همه قرار می‌گیرد شاید بار این مسئولیت قدری کمتر شود. اما از آنجا که می‌دانیم معمولاً فاصله بین شناسایی نسخه تا انتشار آن و رواجش بین مردم که بفهمند چه اطلاعاتی در آن هست خیلی طول می‌کشد، فهرست‌نویسی اهمیت پیدا می‌کند. رابط بین کتاب خطی و مردم فقط فهرست‌نویس است. این وظیفه مهم را فهرست‌نویس باید حرمت بدارد و واسطه‌امینی باشد بین مردم و کتاب‌های خطی.

کتاب‌های تألیف قدیم مدارکشان را با کتاب‌های هم موضوع با آن می‌نویسند. من می‌دیدم که این مرجع خوبی است برای استخراج اسم‌هایی که هیچ‌جا نیست، نه مؤلفانش را کسی می‌شناسد و نه در خارج وجودی دارد. آقای سزگین می‌گفت این کار خیلی مهم است و همیشه من منتظرم فهرست‌های تو برسد و من آن را ببینم. این کاری است که کسی انجام نمی‌دهد، چون دقت و حوصله زیادی نیاز دارد.

[در مورد فایده نشر متون کهن علمی] اول این که در علم ترقی حاصل شده، نظریات علمی عوض شده است؛ به خصوص در نجوم که در آن وقت با چشم غیر مسلح کار می‌کردند و سلاخی برای دیدن موجودات آسمانی نبود. طبعاً آن‌ها با خیال حرف می‌زدند. در این شکی نیست. اما خیلی حرف‌های دیگر اینجا هست. ابتدایی‌ترین حرفش در کتاب‌ها و متون فارسی این است که اولاً یک سند قدیمی ماست، و دلیل دستور زبان ماست، و از اصطلاحات فارسی در مقابل زبان‌های عربی و سایر زبان‌ها می‌توانیم استفاده کنیم؛ مثلاً طب فارسی، نجوم فارسی، فقه فارسی و ... خیلی استفاده‌ها دارد. اما این معنایش این نیست که ما بگوییم آن علمی که آنجا هست امروز قابل استفاده است. یک نکته هست و آن این که این کتاب باعث می‌شود که ما اعتماد به نفسمان را بازیابیم. این چیزی است که من یک بار هم در مقدمه فهرست سنا نوشتم. ما خودمان را در بین ملل دنیا خیلی ضعیف می‌دانیم. این که بدانیم پیشرفت تمدن ما تا کجاها بوده، خیلی مهم است. به علاوه در برخی مسائل به خصوص مسائل طبی و داروشناسی، علاوه بر مباحث علوم انسانی که خیلی مهم است، خیلی نکات هست که همین الان قابل زنده شدن و استفاده است. در طی این چند سال که هند استقلال پیدا کرده است، چند دانشگاه طب سنتی به وجود آمده و این علوم در آنجا زنده شده است: آن هم از طریق همین کتاب‌ها که مرده تلقی می‌شد. پس این طور نیست که این علوم مرده باشد.

بله، درست است که علم ترقی کرده است؛ اما در این کتاب‌ها فقط چیزهای مرده نیست. چیزهایی هست که باید مطالعه شود؛ چون مفید و ارزنده است. همیشه مرحوم [محمد پروین] گنابادی کوشش می‌کرد که متون قدیمی فارسی را پیدا کند و به ما هم همین سفارش را می‌کرد. چون این متون برای ما خیلی مهم است. به جای اصطلاحات رایج عربی یا فرنگی اصطلاحات بسیار زیبایی فارسی را می‌توانیم از آن‌ها به دست بیاوریم و انتخاب کنیم».